

# اسلام و سنت وبری



اسلام و سنت وبری

داود مهدویزادگان

کتاب حاضر نقدی است متأثر از کتاب «اخلاق پروتستانی و روح سرمایه‌داری» تألیف ماکس وبر جامعه‌شناس شهیر آلمانی که یکی از معتبرترین کتاب‌های کلاسیک جامعه‌شناسی نوین به شمار می‌رود و همچنین این کتاب نگاهی است انتقادی به برداشت موافقان و مخالفان سنت وبری از آئین اسلام.

چکیده نظریه اخلاق پروتستانی و روح سرمایه‌داری از منظر مولف این کتاب عبارت است از اینکه: مسأله اصلی و بر پیدایش خاص و جدید سرمایه‌داری غربی است. او ترکیبی از فرایندهای همزاد تاریخی را علت ظهور سرمایه‌داری نوین می‌داند؛ رشد شهرسازی خودمختار، صنعتی شدن، سازمان عقلانی موسسه‌های، رشد علوم طبیعی مبتنی بر ریاضیات و تبع آن حسابداری عقلانی، گسترش حقوق عقلانی، گسترش نیروی کار آزاد و بازار آزاد از جمله این فرایندهایی هستند که بر هر یک از این فرایندهای تاریخی به تنهایی نمی‌تواند علت پیدایش سرمایه‌داری باشد بلکه تلفیقی از این عوامل در تبیین پیدایش دخالت دارد. او نظرش را به عملی معطوف می‌کند که در جهت دهی فرایندهای تاریخی ذکر شده به سمت سرمایه‌داری نوین و در نتیجه تبیین نهایی پیدایش آن، نقش بسزایی دارد. وبر با تاکید بر تفکیک «روح سرمایه‌داری» و «نظام سرمایه‌داری» خواسته است بر این عامل اشاره کند. این روحیه سرمایه‌داری است که بیش از توسعه سرمایه‌داری وجود داشته و زمینه‌های رشد نظام سرمایه‌داری را

پیداایش سرمایه داری غربی را در فهم نوع خاصی از باورهای مذهبی می‌داند. سرمایه‌داری جدید وقتی که در اندیشه افزایش باروری کار انسانی بود، با نیروی سرسختی به نام «سنت گرایی» مواجه گردید. روش گذشته این بود که چگونه می‌توان دستمزدی معین را با حداکثر سهولت و حداقل تلاش به دست آورد

یافته است. مطالب این فصل عبارت است از: ۱. زمینه طرح مسأله وحدت / ۲. منظور از وحدت / ۳. نقش حوزه در وحدت / ۴. نقش دانشجویان در وحدت / ۵. نقش فصل پنجم این کتاب به وحدت حوزه و دانشگاه اختصاص یافته است. مطالب این فصل عبارت است از: ۱. زمینه طرح مسأله وحدت / ۲. منظور از وحدت / ۳. نقش حوزه در وحدت / ۴. نقش دانشجویان در وحدت / ۵. نقش استادان در وحدت / ۶. توصیه‌ها.

از نظر مؤلفه جدایی حوزه و دانشگاه از یکدیگر باعث جدایی علم و دین در اذهان دانش‌پژوهان مسلمان شده است؛ که حل این مشکل در گرو وحدت «هدف» این دو حوزه دانش‌پرور است. در ادامه ایشان اقداماتی را جهت تحقق وحدت حوزه و دانشگاه توصیه نموده‌اند: این اقدامات عبارت است از: ۱. تألیف کتاب‌های معارف اسلامی برای تدریس در دانشگاه‌ها / ۲. اعزام حوزویان فرهیخته و متقی به دانشگاه‌ها برای تدریس معارف اسلامی / ۳. وارد کردن علوم محض و علوم انسانی در آموزش‌های حوزوی به عنوان یکی از تخصص‌ها و استفاده از اساتید دانشگاه‌ها برای تدریس این علوم در حوزه / ۴. ترویج روحیه ساده‌زیستن و سخت‌کوشی در میان طلاب حوزه‌ها و دانشجویان دانشگاه‌ها / ۵. تأسیس مراکز تحقیقاتی مشترک با برنامه‌ریزی‌های درازمدت، بر پایه همکاری صمیمانه هر دو نهاد.

\*\*\*

فصل ششم و آخر این کتاب به بحث پیرامون تحقیق دانشگاه اسلامی به عنوان یک راه دراز مدت اختصاص یافته است. مباحث این فصل بدین شرح می‌باشد: ۱. زمینه تاریخی طرح مسأله / ۲. سؤالات و انتقادات / ۳. جایگاه علم دینی / ۴. علم اسلامی / ۵. دانشگاه اسلامی / ۶. برنامه آموزشی. پژوهشی دانشگاه اسلامی

در مبحث اول این فصل، مؤلف زمینه طرح مسأله تحقیق دانشگاه اسلامی را حداقل به ۶۰ سال قبل مرتبط دانسته‌اند و در این راستا به بیان و بررسی نظرات دانشمندان مختلف پرداخته‌اند. در مبحث دیگر مؤلف به طرح سؤالات انتقادات و شبهاتی که پیرامون اسلامی شدن دانشگاه‌ها از ناحیه عده‌ای از مخالفان و موافقان طرح اسلامی شدن دانشگاه‌ها ایراد شده است پرداخته‌اند.

برخی سؤالات و شبهات مخالفان این طرح عبارت است از: مگر فیزیک یا جامعه‌شناسی و... اسلامی و غیر اسلامی دارد؟

علم می‌خواهد به عقب برگردد! علم و دین ارتباط موضوعی ندارند پس آنها نمی‌توانند اثری بر هم داشته باشند.

غرض از اسلامی شدن دانشگاه‌ها این است که همه افکار و دانشگاهیان را در قالب‌های از پیش ساخته شده بریزند. منظور از اسلامی کردن مقابله با اندیشه‌های متباین با اسلام و ایجاد خفقان فکری است.

همچنین برخی از سؤالات و شبهات موافقان این طرح عبارت است از:

منظور از اسلامی کردن علم، پرداختن به معجزات علمی قرآن و سنت است.

منظور این است که کتاب‌های درسی علوم حاوی براهین اثبات وجود خدا باشند.

منظور این است که تعالیم دینی را در بحث‌های علوم بگنجانند.

منظور این است که منشا علوم به دانشمندان اسلامی نسبت داده شود.

در مبحث دیگر این فصل و در بیان جایگاه علم‌دینی به دو تکتک اشاره شده است:

۱. علم فارغ از پیش فرض‌های متافیزیکی نیست. ۲. نقش جهان بینی‌ها در جهت‌گیری‌ها و کاربردهای علم.

## بر اساس اخلاق پروتستانی ، ثروت فقط در صورتی ناپسند است که در جهت لذت دنیایی ،

تن آسایی و وسوسه های جسمانی باشد.  
اما اگر فعالیت شغلی فعالانه  
(نه منفعلانه)

تلاشی برای افزایش  
عظمت خدا باشد ،  
نه تنها مطلوب است  
بلکه مانع  
اتلاف وقت است

فراهم کرده است .

و بر عامل اصلی را در فهم نوع خاصی از باورهای مذهبی می‌ناند. سرمایه داری جدید وقتی که در اندیشه افزایش باروری کار انسانی بود ، با نیروی سرسختی به نام « سنت گرایی » مواجه گردید. روش گذشته این بود که چگونه می‌توان دستمزدی معین را با حداکثر سهولت و حداقل تلاش به دست آورد. سرمایه‌داری جدید به نیروی کار احتیاج دارد که کار را برای خود تکلیف بناند این تلقی ، همان روحیه‌ای است که می‌تواند پرست‌گرایی پیروز شود اما تربیت نوع خاصی از باورهای مذهبی ، بهتر از هر عامل دیگری می‌تواند بر روحیه سنتی غلبه نماید. و بر در اینجا ، همبستگی اخلاق عقلانی پروتستانتیسم ریاضت کشی را با روح سرمایه‌داری انتخاب می‌کند. و بر در این انتخاب مستقیم نظام باورها ، یعنی اخلاق پروتستان را به ساختار نظام سرمایه‌داری ربط نمی‌دهد بلکه اخلاق پروتستان را به نظامی از باورها ، یعنی روح سرمایه‌داری ربط می‌دهد. در شکل گیری اخلاق پروتستانی سه قضیه مهم نقش اساسی دارند.

۱. آموزه تقدیر که تاثیر رفتاری این آموزه در شکل افراطی آن در مساله انحصار توکل به خداست .

۲. جهان فقط به منظور ستایش و افزایش عظمت خداوند وجود دارد.

۳. برای افزایش عظمت خدا ، فعالیت شغلی خستگی ناپذیر ، مناسب ترین وسیله ای است که کالونیسیم توصیه می‌کند.

بر اساس اخلاق پروتستانی ، ثروت فقط در صورتی ناپسند است که در جهت لذت دنیایی ، تن آسایی و وسوسه های جسمانی باشد اما اگر فعالیت شغلی فعالانه (نه منفعلانه) تلاشی برای افزایش عظمت خدا باشد ، نه تنها مطلوب است بلکه مانع اتلاف وقت است . از این پس تحصیل ثروت که لازمه شغل است نه فقط توصیه اخلاقی بی‌نا می‌کند بلکه کسب سود در قلمرو مشیت الهی قرار می‌گیرد. موفقیت در شغل نشانه آموزش الهی و بهشتی بودن فرد می‌باشد.

بنابراین ، سلوک اخلاقی این جهانی بیوریتی ، دو تاثیر رفتاری اجتناب ناپذیر داشت : اول اینکه عقلانیت ریاضت‌گشانه را در کار و به تبع آن تخصصی شدن کار ، گسترش داد و این مطلب خلق و خوی موسسه عقلانی بورژوازی و سازمان عقلانی کار رابه وجود می‌آورد؛ دوم اینکه با عقلانی‌شدن کار گرایش سنتی نسبت به آن فراموش می‌شود و این همان هدفی است که سرمایه‌داری نوین با عنوان «تکاپوی اقتصادی» به دنبالش بود.

ریاضت کشی دنیوی پروتستانی ، استفاده غیرعقلانی از ثروت به دست آمده را که همان لذت‌های دنیایی و تن آسایی است محکوم می‌کند. چنین محدودیتی در مصرف ، موجب انباشته شدن ثروت است و از آنجا که استفاده عقلانی از ثروت مجاز شمرده می‌شود پس می‌توان از ثروت پس‌انداخت ، در امر کار و گسترش فعالیت‌های اجتماعی سرمایه‌گذاری کرد. البته همین استفاده عقلانی از ثروت موجب افزایش آن هم می‌شود. به این ترتیب ، طرز تلقی بیوریتین از زندگی ، اصلی ترین عامل موثر و منسجم در تکوین انسان اقتصادی جدید است که خود موجبات پرمردگی و انحطاط منهد را در پی دارد. حال سؤال اصلی این کتاب اینجاست که آیا دیدگاه اسلامی مبانی اخلاق پروتستان را می‌پذیرد یا مطلب از قرار دیگری است؟ و آیا بدون در نظر گرفتن مواجهه پروتستانتیسم

باید از دنیا‌گریزی تن پرورانه و کسالت‌آور دوری کند ، تا از آثار و فواید کسب و تجارت بهره مند شود. اعتماد به نفس ، زیاد شدن عقل ، توکل بر خدا ، بی‌نیازی از مردم ، گذشت و فداکاری ، عدم توکل بر مردم ، آلوده نشدن به گناه ، رفاه خانواده ، صلح رحم ، مهربانی بر همسایگان و انفاق در راه خیر ... آثار و فواید شغل دنیوی می‌باشد. در فقه اسلامی ، احکام تکلیفی بر پنج قسم واجب ، مستحب ، مکروه و حرام و مباح تقسیم می‌شود. شغل دنیوی به اعتبار ذات و فعل مکلف ، مباح است و یادر نهایت مستحب موکد است . عدم وجوب ذاتی کار از آن روست که شغل دنیوی به تنهایی مانند نماز و روزه ، عمل عبادی نیست ، بلکه کار به لحاظ فواید و آثار حاصل از آن واجب یا مستحب می‌شود. چرا که اگر شغل دنیوی ذاتا واجب باشد ، در این صورت باید سرمایه داران مال‌اندوز با هر نوع حرفه‌ای ، عابدترین و محبوب‌ترین افراد در نزد خدا باشند حال آنکه قرآن کریم مال‌اندوزان را به عذاب جهنم هشدار می‌دهد. ولی عدم وجوب ذاتی شغل ، همانطور که اشاره شد هیچ گونه دلالتی بر کم‌توجهی اسلام نسبت به آن ندارد.

پس :

۱. اسلام از میان ادیان الهی به نیکوترین شکل به بیان تکلیف پرداخته است .

۲. در اسلام ، تکلیف برخلاف اخلاق پروتستانی که مبتنی بر آموزه تقدیر است ، بر اساس آزادی و اختیار انسان است .

۳. در اسلام سخت کوشی و عمل به تکالیف ، نشانه تعیین شده ازلی نیست ، تا انسان مجبور به انجام تکالیف باشد.

۴. در اسلام شغل دنیوی اولاً و بالذات مقرب الی الله نیست و فقط به جهت فواید و مصالح اجتماعی حاصل از آن ، رابطلهای بین انسان و خدا برقرار می‌سازد.

۵. بنا شدن شغل دنیوی بر شریعت اسلامی ، به معنای عقلانی شدن و گذر از حالت روزمرگی است .

۶. تکالیف غیر عبادی اسلام ، جنبه های افراطی فردگرایی را به حداقل می‌رساند ، زیرا اسلام به پیروانش می‌آموزد که از منفعت‌طلبی‌های انحصاری پرهیز کنند. در نتیجه هیچ یک از باورهای اصیل اسلامی سرناسازگاری با فعالیت شغلی نداشته و همان طور که زمینه ساز پیدایش جنبه‌های معنوی و فرهنگی تمدن است ، موجبات پیشرفت و توسعه اقتصادی آن را نیز فراهم ساخته است .

در ادامه مولف در پاسخ به این سئوال که آیا در تاریخ مسلمانان ، اسلام مانعی در راه توسعه اقتصادی به شمار می‌آید؟ و یا اینکه آیا انحطاط مسلمانان ریشه در باورهای مذهبی دارد تا نیاز به تحول در باورهای مذهبی باشد؟ و آیا اسلام همانند مسیحیت قادر به همسویی با پیشرفت‌های اقتصادی نیست ؟ و آیا در واقع ، چون اسلام دین شهرنشینان مستقل نبوده ، مولد نظام سرمایه‌داری هم نیست ؟ نکاتی را بیان داشته و سپس در بخشهای دیگر کتاب به تفصیل به مباحثی چون ، اسلام و توسعه اقتصادی در تمدن اسلامی و اسلام و عقلانیت سرمایه‌داری نوین و رابطه نهایی اسلام و عقلانیت ابزار ، پرداخته‌اند.

بامساله «روح سرمایه‌داری» در اسلام زمینه‌های پیدایش روح سرمایه‌داری وجود دارد؟ آیا عدم سازگاری با نظام سرمایه‌داری به معنای توجه نکردن اسلام به زندگی دنیوی است ؟ و رابطه نهایی اسلام با «عقلانیت» به عنوان ویژگی منحصر به فرد سرمایه‌داری نوین چگونه است؟

لذا کتاب ابتدا ضمن بررسی عناصر بنیادین اخلاق پروتستانی آن را با مبانی اسلام تطبیق داده و سپس به مباحث فرعی آن ، از قبیل شعائر و مناسک دینی ، توبه ، تقوی ، توکل به خدا و موارد دیگر می‌پردازد. این کتاب ابتداء به بررسی و تبیین آموزه تقدیر ، آموزه افزایش عظمت خدا و آموزه شغل دنیوی به مثابه تکلیف از نظر اخلاق پروتستان و سپس به تبیین دیدگاه اسلام در این باره می‌پردازد. مولف در راستای بررسی آموزه تقدیر به این نتیجه دست می‌یابد که از نظر اسلام قضا و قدر الهی غیر از مساله جبر و اختیار است در اسلام قضا و قدر الهی امر مسلمی است و هیچ منافاتی با اختیار ندارد. سرنوشت انسان در دست خود اوست و به همین جهت پاداش یا مجازات بر افعال اوادی انسان مترتب است .

سپس به بررسی بازسازی فروعاتی که نهضت اصلاحی بر مبنای تقدیر جزم پیدا کرده از دیدگاه اسلام می‌پردازد. این موارد عبارت است از: عدل الهی ، احکام الهی ، آموزش الهی ، احساس تنهایی و توکل به خدا.

همچنین کتاب حاضر در بررسی آموزه افزایش عظمت خدا با دیدگاه اسلامی به این نتیجه می‌رسد که در مقام فعل ، هر نوع نعمت ، کار یا عمل خیری که نصیب انسان می‌شود از جانب خدا صادر می‌شود زیرا خدا خالق هر چیزی است . بنابراین ، هر ثنای ستایشی که در این عالم می‌شود در ظاهر منسوب به غیر خدا است ولی دراصل بازگشت به خداوند سبحان دارد. لذا مومن وقتی بر حقیقت تقدیس و توحید آگاه گردید تمام نعمتها را از خدا می‌داند و به حکم عقل شکر نعم را بر خود واجب می‌بیند بنابراین حقیقت شکر عبارت است از : اظهار نعمت و کاربرد آن در جایی که مورد پسند منعم است . بنابراین شاکران در برابر عظمت الهی به اظهار نعمت‌های حق تعالی مشغول می‌باشند. اما آیا اینکه ما با تعظیم و تجلیل خداوند چیزی بر عظمت خدا افزودیم ؟ مفاهیم دیگری در قرآن وجود دارد که مانع پاسخ مثبت به این سوال می‌شود لذا چنانچه مفهوم افزایش در حکم « همه چیز در خدمت افزایش عظمت خدا» به معنای « بیان و اظهار عظمت خدا» تاولیل ببرییم ، آنگاه تفاهم دینی بین اسلام و پروتستان امکان‌پذیر است .

در راستای بررسی آموزه سوم صبی بر بررسی شغل دنیوی به مثابه تکلیف از دیدگاه اسلام ، نتایج ذیل از بحث مزبور حاصل شده است :

در اسلام انسان مکلف به کسب و کار است . مومن مسلمان